

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقشه ۲۴

سطح ۲

درس ۲

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی  
آموزشیار: آقای خادمی

## مقدمه

در درس گذشته برخی از احکام نکاح بیان شد و مستند تعدادی از آنها مورد بررسی قرار گرفت.

مسائل مطرح شده در این درس عبارتند از:

الف) بررسی دلیل صحت عقد دائم با الفاظ «زوجت و انکحت» و دلیل صحت عقد موقت با لفظ «متع»؛

ب) ذکر چهار دلیل بر اعتبار لفظ در ایجاب و قبول برای تحقق زوجیت؛

د) اختلاف در صحت عقد دائم با لفظ «متع»

## مستند تحقق عقد دائم و منقطع با الفاظ انکحت و زوّجت

صیغه عقد دائم یا منقطع با الفاظ «انکحت» و «زوّجت» محقق می‌شود مثلاً اگر زن در عقد دائم خطاب به مرد بگوید: «انکحتک نفسی علی الصداق المعلوم» و مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِیجَ» رابطه و علقه زوجیت ایجاد می‌شود و دلیل بر این مطلب اتفاق فقها مسلمان است همچنین برای ایجاد عقد، صیغه‌های گوناگونی بیان شده است که قدر متیقن صیغه‌های صحیحی که ایجاد کننده عقد هستند، صیغه‌های مذکور است.

### ادله اعتبار لفظ در ایجاب و قبول

برای عدم کفایت نکاح معاطاتی به چهار دلیل استدلال شده است که مصنف دلیل دوم را نمی‌پذیرد این ادله عبارت‌اند از:

۱. اجماع: صاحب حدائق ادعا کرده فقها اهل تسنن و تشیع بر این که با صرف توافق، زوجیت محقق نمی‌شود اجماع دارند.<sup>۱</sup>

۲. اگر ازدواج بدون لفظ و با صرف رضایت دو طرف، منعقد شود پس تفاوتی بین نکاح و زنا وجود ندارد. اشکال مصنف: تفاوت اساسی نکاح و زنا - با قطع نظر از الفاظ آن - این است که در نکاح طرفین قصد زوجیت دارند و این که عنوان همسر بودن بر هر یک اطلاق می‌شود اما در زنا زوجیت محقق نمی‌شود و صرفاً قصد طرفین لذت بردن از یکدیگر می‌باشد.

۳. برخی روایات مانند روایت ابان بن تغلب، صیغه نکاح موقت را آموزش می‌دهند؛ ابان می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم چگونه بگویم با زنی که قصد ازدواج با او را دارم؟ امام علیه‌السلام فرمود: بگو: «اتزوجک متعاً علی کتاب الله و سنّه نبیه لا وارثه و لا موروثه کذا و کذا یوماً بکذا و کذا درهما» و اگر خواستی بگو: «کذا و کذا سنّه بکذا و کذا درهما» و هر مقدار از مهر که بر سر آن توافق شده است ذکر شود چه کم باشد چه زیاد؛ و زمانی که زن بگوید: «قبول کردم و راضی شدم» او همسر تو می‌شود و تو سزاوارترین شخص به او هستی. و روایات دیگری نیز در این باره آمده است.

### نحوه دلالت حدیث بر اعتبار لفظ در نکاح

این روایت گرچه در بحث عقد موقت وارد شده است اما تفاوتی بین ازدواج دائم و موقت در این مساله وجود ندارد. و به دو صورت این حدیث دلالت بر مدعی می‌نماید:

الف: نیاز به نکاح در ذهن سائل مفروغ عنه بوده است و در واقع آنچه که برای سائل مخفی بوده کیفیت بیان اجرای صیغه عقد و این که چه خصوصیتی باید در آن مراعات شود بوده است؛ زیرا سائل از حضرت می‌پرسد «چگونه بگویم».

۲. صاحب حدائق چنین می‌فرماید: الاولی: اجمع العلماء من الخاصّة و العامّة علی توقّف النکاح علی الايجاب و القبول اللفظیین.

مرحوم نراقی چنین می‌فرماید: المسألة الاولی: تجب فی النکاح الصیغه باتفاق علماء الاسلام بل الضرورة من دین خیر الانام له (للاجماع) و لاصالة عدم ترتّب آثار الزوجیة بدونها.

ب: با تمسک به مفهوم مخالف ذیل جمله امام نیز می‌توان برای لزوم لفظ در صیغه عقد تمسک کرد با این توضیح که امام می‌فرماید «پس زمانی که زن گفت: راضی هستم همسر تو می‌گردد» از این عبارت استفاده می‌شود تا زمانی که زوجه «قبلت» را نگوید عقد زوجیت محقق نمی‌شود.

۴. سیره متشرعه: قوی‌ترین دلیل برای اعتبار لفظ در تحقق زوجیت آن است که جامعه مسلمین از کوچک و بزرگ و زن و مرد و عالم و جاهل بر این باوراند که برای تحقق عقد باید از الفاظ عقد استفاده شود و شکی نیست که سرچشمه و منشأ این باور عمومی، چیزی جز بیان معصومین علیهم السلام نبوده است که به سایر افراد جامعه منتقل شده است.<sup>۱</sup>

### ادله تحقق زوجیت با لفظ زواج

ادله این مساله که زوجیت با لفظ «زوجت» محقق می‌شود عبارت‌اند از:  
الف: استعمالات قرآنی؛ زیرا در قرآن لفظ زواج برای زوجیت استعمال شده است.  
ب: روایت ابان بن تغلب که حضرت برای نکاح موقت، لفظ «زوجت» را استعمال نمود.

### دلیل تحقق زوجیت با لفظ نکاح

در قرآن کریم لفظ «نکاح» برای زوجیت استعمال شده است.

### دلیل عدم تحقق عقد دائم با لفظ «متع»

دلیل اختلاف فقها در تحقق عقد دائم با لفظ «متع» به این جهت است که در هیچ یک از آیات و روایات شرعی برای انشاء عقد دائم از لفظ «متع» استفاده نشده است و از سوی دیگر اطمینان داریم که الفاظ عقد ازدواج توقیفی (یعنی متوقف بر بیان شرع می‌باشد) هستند لذا از هر لفظی برای تحقق آن نمی‌توانیم استفاده کنیم بلکه ناگزیریم از الفاظی که در عرف و شرع متداول است استفاده کنیم.

اما عده ای از فقها بر این باوراند که از لفظ «متع» می‌توان برای تحقق عقد دائم استفاده کرد دلیل این عده تمسک به روایاتی است که می‌گوید: هر گاه در هنگام محقق نمودن عقد متعه، مدت آن تعیین نشود این عقد تبدیل به عقد دائم می‌شود مانند موثقه عبد الله بن بکیر: «امام صادق علیه‌السلام فرمود: اگر مدت، تعیین شود متعه محسوب می‌شود و اگر مدت و زمان تعیین نشود نکاح دائم است» در این روایت امام به صورت مطلق تفاوت بین عقد دائم و موقت را در تعیین مدت دانسته است به عبارت دیگر صیغه عقد با هر یک از الفاظ «متع، انکحت و زوجت» باشد اگر زمان تعیین شود، عقد موقت است و اگر زمان تعیین نشود عقد دائم است.

۱. بعضی استدلال کرده‌اند که نکاح به معنای انجام می‌شود و هر دلیلی که در ابواب دیگر برای صحّت معاطات باشد در اینجا هم هست که یکی از آن ادلّه «المؤمنون عند شروطهم» و دیگری «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» است و تعبیراتی از این قبیل که شامل تمام عقود می‌شود اعم از عقود لفظی و فعلی، که همین حرف را در باب نکاح هم می‌زنیم. جواب: درست است که اطلاعات «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» شامل عقد معاطاتی هم می‌شود حتی در نکاح، ولی سیره در نکاح معاطاتی، مخصوص این اطلاق می‌شود، یعنی نکاح معاطاتی در بین مسلمین رواج ندارد پس معاطات در نکاح به دلیل مخالفت با سیره و اجماع کنار گذاشته می‌شود.

## تطبيق

متن: ۲- و اما تحقق العقد الدائم و المنقطع بالصيغة المتقدمة فهو محل وفاق بل هو القدر المتيقن من الصيغة الصحيحة التي يقع بها العقد.

ترجمه: و اما تحقق عقد دائم و موقت به وسيله صيغه‌های مذکور(انکحت و زوجت) مورد اتفاق علماست، بلکه این صيغه‌ها قدر متيقن از صيغه‌هایی صحیحی است که عقد به وسيله آنها منعقد می‌شود.

متن: ۳- و اما اعتبار الايجاب و القبول اللفظيين و عدم الاكتفاء بالتراضي فقد ادعى في الحدائق اجماع العامة و الخاصة عليه<sup>۱</sup>.

ترجمه: اما این که ایجاب و قبول باید لفظی باشد و اکتفاء به رضایت طرفینی کافی نیست در این باره صاحب کتاب حدائق ادعا کرده اجماع عامه و خاصه بر آن وجود دارد.

متن: و قد يستدل على ذلك بانه:

ترجمه: و گاهی برای اثبات این موضوع استدلال شده به اینکه:

متن: أ- لو لا ذلك لم يبق فارق بين النكاح و السفاح.

ترجمه: ألف) اگر صيغه لفظی نباشد هیچ فرقی بین نکاح و زنا نخواهد بود.

و التأمل فيه واضح، فان الفارق ثابت بقطع النظر عن ذلك، و هو انه في النكاح يوجد اعتبار للزوجية بخلافه في السفاح.

ایراد این استدلال روشن است؛ زیرا با قطع نظر از صيغه لفظی، فرق بین آنها ثابت است و این که در نکاح رابطه زوجیت محقق می‌شود برخلاف زنا.

متن: ب- و بما ورد في تعليم صيغة النكاح المنقطع، فقد روى ابان بن تغلب: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: كيف أقول لها إذا خلوت بها؟ قال: تقول: أتزوجك متعة على كتاب الله و سنة نبيه لا وارثة و لا مورثة كذا و كذا يوما و ان شئت كذا و كذا سنة بكذا و كذا درهما، و تسمى من الاجر ما تراضيتما عليه قليلا كان أو كثيرا، فاذا قالت: نعم فقد رضيت و هي امرأتك و أنت أولى الناس بها»<sup>۲</sup> و غيرها.

ترجمه: ب) (دلیل دیگر) روایتی است که در تعليم صيغه نکاح منقطع وارد شده است در روایت ابان بن تغلب آمده است: «به امام صادق علیه السلام گفتم: چگونه بگویم به زن هنگامی که با زن خلوت کردم(چه بگویم به او تا زوجه من شود)؟ امام علیه السلام فرمود: بگو با شما طبق قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج موقت می‌کنم به فلان مدت و فلان روز و نه از شما ارث می‌برم و نه از من ارث می‌برید؛ اگر بخواهی می‌توانی بگویی به فلان سال، به فلان درهم، و ذکر می‌کنی مقدار مهریه را که بر آن توفیق نموده اید، چه کم باشد و چه زیاد، و اگر

۱. الحدائق الناضرة ۲۳: ۱۸.

۲. وسائل الشیعة ۱۸: ۴۶۶ الباب ۱۴ من أبواب المتعة الحديث ۱.

زن «بله» را گفت، حتما راضی شده و زن تو می‌شود و تو نسبت به او از همه مردم سزاوارتری» و غیر از این روایت.

متن: و هی و ان كانت واردة فی النکاح المنقطع الا انه لا یحتمل ثبوت الخصوصیة له.

ترجمه: اگر چه این روایت در نکاح موقت آمده است ولی احتمال نمی‌رود خصوصیتی برای نکاح موقت باشد.<sup>۱</sup>

متن: و دلالتها واضحة، فانها ظاهرة فی ارتکاز المفروغیة من اعتبار الصیغة فی ذهن ابان و السؤال وقع بلحاظ بعض الخصوصیات.

ترجمه: دلالت روایت واضح است زیرا روایت بر مفروغ عنه بودن اعتبار اصل صیغه در ذهن ابان دلالت می‌کند و سوال ابان از خصوصیات صیغه است نه از اصل صیغه.

متن: علی ان قوله علیه‌السلام فی الذیل: «فاذا قالت: نعم فقد رضیت و هی امرأتک» یدل بالمفهوم علی عدم تحقق الزوجیة من دون قول الزوجة نعم بعد قول الزوج لها أتزوجک متعة ...

ترجمه: علاوه بر اینکه سخن امام علیه‌السلام در ذیل روایت: «اگر زن بله را گفت پس زن راضی است و زن تو می‌گردد». دلالت می‌کند بر اینکه زوجیت محقق نمی‌شود مگر این که زن «بله» را بعد از قول مرد که می‌گوید «اتزوجک متعة» بگوید.

متن: هذا وجهان لا اعتبار الصیغة.

ترجمه: این دو وجه، برای شرط بودن صیغه (در صحت نکاح) است.

متن: و لعل الأجدر الاستدلال علی ذلك بارتکاز اعتبار الصیغة فی تحقق النکاح فی اذهان جمیع المتشرعة الصغیر منهم و الکبیر و الرجل و المرأة و العالم و الجاهل، و لا منشأ لذلك سوی الوصول من المعصوم علیه‌السلام یدا بید.

ترجمه: و شاید بهترین استدلال، بر اعتبار لفظ این باشد که، اعتبار صیغه مرتکز شده است در تحقق نکاح عقد، در اذهان تمامی اهل شرع، اعم از کوچک و بزرگ، مرد و زن و عالم و جاهل، و این ارتکاز منشأیی ندارد جز این که از سوی معصوم دست به دست به آنها رسیده است.

متن: ۴- و اما تحقق عقد النکاح بلفظ الزواج و النکاح فمما لا إشکال فیہ. و یدل علی انعقاده بلفظ الزواج قوله تعالی: فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكُمَا<sup>۲</sup> و حدیث ابان المتقدم و غیره.

ترجمه: و اما اینکه عقد نکاح به وسیله لفظ زواج و نکاح محقق می‌شود، در صحت این مساله هیچ اشکالی وجود ندارد و بر انعقاد عقد نکاح با لفظ زواج، سخن خدای بلند مرتبه «هنگامی که زید از آن زن کام گرفت (و او را طلاق داد)، ما او را به همسری تو درآوردیم» و حدیث ابان که گذشت و غیر حدیث ابان دلالت می‌کند.

متن: و علی انعقاده بلفظ النکاح قوله تعالی: وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ<sup>۱</sup> و غیره من الاستعمالات القرآنیة المعبرة بلفظ النکاح.

<sup>۱</sup> . اشاره به الغاء خصوصیت دارد.

<sup>۲</sup> . الاحزاب: ۳۷.

ترجمه: و دلالت می‌کند بر انعقاد عقد نکاح به وسیله لفظ نکاح، سخن خدای بلند مرتبه « و به نکاح خویش دریاورید زنانی را که پدران شما به نکاح خویش درآورده اند» و غیر این آیه از استعمالات قرآنی که به لفظ نکاح تعبیر شده است.

متن: ۵- و اما الخلاف فی تحقق الزواج الدائم بلفظ التمتع فباعترار انه لم یرد فی شیء من النصوص الشرعية التعبير عن الدائم بلفظ التمتع لیحکم بصحة الانشاء به، و من الواضح انه لا تصح الاستعانة بكل لفظ بل لا بد من الاقتصار علی ما تداول التعبير به شرعا أو عرفا.

ترجمه: اما اختلاف در تحقق ازدواج دائم با لفظ «تمتع» به این دلیل است که در نصوص شرعی، از نکاح دائم با لفظ تمتع «تمتعک» تعبیر نشده است تا حکم به صحت انشاء عقد نکاح با لفظ تمتعک شود، و روشن است که نمی‌توان عقد نکاح را با هر لفظی اجرا کرد، بلکه باید به الفاظی که در عبارتهای شرعی و یا عرفی متداول است اکتفا کنیم.

متن: وفي المقابل قد يقال بالانعقاد بذالك تمسكا بالروایات الدالة علی ان العقد اذا لم يذكر فيه الاجل انقلب دائما، من قبيل موثقة عبد الله بن بكير: «قال ابو عبد الله عليه السلام فی حدیث: ان سمي الاجل فهو متعة و ان لم یسم الاجل فهو نکاح بات»<sup>۲</sup>، و تقریب الدلالة واضح.

ترجمه: در مقابل (این نظر) گاهی گفته می‌شود که عقد دائم با لفظ «تمتعک» منعقد می‌شود به دلیل تمسک به روایاتی که دلالت می‌کنند بر اینکه اگر در عقد مدت ذکر نشود به عقد دائم تبدیل می‌شود، از جمله آن روایات، موثقه عبد الله بن بکیر است: «امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود اگر مدت در عقد ذکر شود عقد موقت است و اگر مدت ذکر نشود به صورت دائم منقلب می‌شود» تقریب دلالت روشن است.

۱. النساء: ۲۲.

۲. وسائل الشیعة ۱۴: ۴۶۹ الباب ۲۰ من ابواب المتعة الحدیث ۱.

## چکیده

۱. قدر متیقن از صیغه هایی که عقد دائم با آنها محقق می شود صیغه « انکحت و زوجت » است.

۲. ادله ای که بر اعتبار لفظ در ایجاب و قبول دلالت می کنند عبارتند از:

الف: اجماع

ب) وجود تفاوت بین نکاح و زنا

ج) روایت ابان بن تغلب

د) سیره متشرعه

۳. مستند صحت عقد با لفظ « زوجت و انکحت » استعمالات آیات قرآن کریم و روایت ابان است و مستند صحت عقد با لفظ « انکحت » استعمالات آیات قرآن است.

۴. برخی گفته اند ازدواج دائم با لفظ « متعت » محقق نمی شود زیرا در نصوص شرعی برای ایجاد عقد دائم به این لفظ تصریح نشده است لذا باید به قدر متیقن الفاظ اکتفا شود.

۵. برخی گفته اند ازدواج دائم با لفظ « متعت » نیز محقق می شود به دلیل موثقه عبدالله بن بکیر که تنها فرق عقد دائم و موقت را در ذکر مدت دانسته اند.



ادله نکاح لزوم لفظ در عقد  
اجماع عامه و خاصه  
تفاوت بین زنا و نکاح  
روایات مانند روایت ابان بن تغلب  
سیره متشرعه

نظر فقها در اجرای عقد دائم با لفظ متعت  
در نصوص شرعی نیامده است.  
صحيح نيست زيرا  
الفاظ عقد توقيفی است.  
صحيح است به دليل موثقه عبد الله بن ابی بكير.